

یک منتقدنمای بی‌سواد به نام مهدی عاطف‌راد اخیراً خواست شعر من با نام "افتادن اتفاق" را نقد کند و چون معانی کلمات "حالا" و "الآن" در این شعر را درست نفهمید چرت و پرت‌نویسی کرد. این فرد عادت دارد به جای مطالعه کردن چرت و پرت‌هایش را به اسم نقد ادبی به خورد دیگران دهد. اگر این فرد در حوزه فلسفه مطالعه می‌کرد می‌فهمید که کلمات حالا و الآن در این شعر دو نماد یا نشانه است (نماد زمان و انسان که در این شعر جابه‌جا می‌شود) و نقدی مناسب طبق "فلسفه نشانه‌شناسی سوسور" می‌نوشت که چون مطالعه درست و حسابی ندارد چنین نقدی نوشت و نتوانست این شعر را درست نقد کند.

وقتی که انسان زمان می‌شود حادثه رخ می‌دهد (چون زمان فقط در ذهن انسان معنا می‌گیرد) نه آن حوادث که پیش از پیدایش انسان رخ داد. این همان نکته فلسفی در این شعر است.

افتادن اتفاق

(شعری از من از کتابم "هرم" که در سال ۱۳۸۴ در تهران چاپ شده)

اتفاق هنوز نیفتاده

الان دارد صورت حالا را می‌بیند

الان دارد صورت خودش را هم می‌بیند

الان دارد حالا می‌شود

یا نه

اصلاً حالا به فکر الان می‌افتد

می‌نویسم پر شتاب را

به صورتش می‌چسبانم

لب‌های الان پریده رنگ شد

و می‌افتم افتاده
بر لبان‌اش افتاد
الان خندید
حالا الان را دید
حالا افتاد
فکر می‌کنم در ذهن شما هم افتاد
آن اتفاق که باید می‌افتاد